

یادگار

بهمن ۱۳۲۴

صفر - ربیع الاول ۱۳۶۵

ژانویه - فوریه ۱۹۴۶

مسئله روز

سیاست زبان

ملل بیدار کنونی همچنان که برای توزیع و نشر مصنوعات و کالاهای مادی خود سیاستی اقتصادی دارند و با تأمین يك رشته طرق ارتباطیه و وسایل نقلیه این نوع امتعه و اشیاء را سریع ترین وضع و با بهترین اصول در خارج از حوزه حکومتی خود میفرستند برای نشر معنویات و محصولات فکری و ذوقی خویش در میان بیگانگان نیز سیاستی مخصوص و معقول را تعقیب میکنند که اهمیت آن از سیاست اقتصادی ایشان اگر بر مراتب بیشتر نباشد بهیچوجه کمتر نیست.

این که ما اهمیت این سیاست زبانی را بر مراتب بیشتر میگوئیم از آن جهت است که اگر در نتیجه اعمال این سیاست جماعتی از مردم خارج بمعنویات و ذوقیات و تمایلات نفسانی صاحبان آن سیاست آشنا شدند روح و ذوق ایشان باین جنس افکار و احساسات محبت پیدا میکند و علاوه بر محبت قلبی برای کالاهای مادی آن قوم هم مشتریان یا برجائی میشوند و من غیر مستقیم قبول سیاست اقتصادی قوم مزبور نیز تم می دهند. این همه محبت و تصنی که ما در اروپائیان نسبت بیونان و روم قدیم یا در میان مستشرقین نسبت بایران می بینیم همه از این بابت است که این مردم از راه فرا گرفتن

زبان و آشنائی با معنویات و ادبیات سه قوم متمدن باستانی مذکور قلباً فریفته استعداد و ذوق ایشان شده و در هر مقام که محتاج الیه و مقتضی بوده است در حمایت و دفاع از آنان نیز بجان و دل کوشیده‌اند.

وسیله انتشار و نفوذ معنویات و ذوقیات ملل زبان ایشان است. هر قدر دایره انتشار زبانی بیشتر و شماره متکلمین بآن زیادتیر باشد معارف و آداب صاحبان اصلی آن زبان بیشتر در دنیا منتشر میشود و زیادتیر طرفدار و پیرو پیدا میکند.

السنه مختلفه اقوام در میان ملل بیگانه عیناً مانند کالاهای اقتصادی در بازارهای فروش دنیا گرفتار معارضه و همچشمی با یکدیگر میشوند. زبانی در این میدان کشمکش و تنازع غالب می‌آید که دولتی مقتدر و اقتصاد و سیاستی قوی و معارفی متناسب با حوائج روز و ادبیاتی عالی از آن جداً حمایت کند بهمین جهت بیگانگانی که با آن دولت مقتدر و آن اقتصاد و سیاست قوی سر و کار دارند و بآن معارف و ادبیات محتاجند بفرافرفتن آن اقبال مینمایند و حوائج مادی و معنوی و ذوقی خود را بوسیله آن برمی‌آورند.

موقعی بود که زبان شیوای فارسی از چین گرفته تا آلبانی و از نواحی شمال بحر خزر تا جزایر اوقیانوس هند زبان تجارت و سیاست و ادب بود زیرا که دولتهائی قوی در ایران بوسیله آن احکام و اوامر خود را بخارج صادر میکردند و تجار ایرانی قسمت اعظم تجارت آن زمان را در تمام بلاد اسلامی شرق و اوقیانوس هند و سواحل چین و شام در دست داشتند و ادبیات فارسی در تمام این قسمتها عشاقی دلباخته داشت. ضعیف شدن دولت مرکزی و تشکیل دولتهای اوزبک و ترک در شرق و غرب ایران و انتقال مراکز تمدن از آسیا بارویای غربی و مرکزی و افتادن قسمتهای عظیمی از آسیا بعنوان مستعمره بدست اروپائیان قوی پنجه و زیرک و تنزل فاحش علم و ادب در ایران بتدریج حوزه انتشار زبان فارسی را بسیار تنگ کرد و روز بروز از عده متکلمین بآن کاست. همین حال را کم و بیش بعضی از السنه دیگر مثل هلندی و پرتغالی و اسپانیائی و فرانسه و ترکی نیز بخود دیدم‌اند.

دول مقتدر مغرب زمین اگرچه از مدتها قبل با سعی و جهد وافر در کار نشر

زبان خود در خارج از ممالک اصلی مشغول بوده و در هر جا برای این مقصود مدارس باز میکرده و جراید و مجلات انشاء می نموده و کتب و مطبوعات خود را بازرانی و آسانی در دسترس مردم میگذاشته اند لیکن از اوایل این جنگ اخیر که در میان ایشان تبلیغات برای رد تبلیغات دشمن و جلب انظار مردم بنفع خویش اهمیتی مخصوص یافت توجه باین کار نیز چندین برابر پیش از پیش شد. او را و کتب و مجلاتی را که در ضمن همین جنگها دو طرف متخاصم در هر گوشه و کنار از مملکت ما منتشر میکرده و هم امروز فاتحین هر يك بنفع خود و بزبان خود میکنند گواه صادق این مدعی است و تمام این انجمنهای روابط فرهنگی و خانه های پیروزی و فرهنگ و کلاسهای معانی درس و غیرها برای وصول بهمین منظور و نشانه های است از اینکه فاتحین جنگهای اخیر علاوه بر آنکه در خارج در سیاست و اقتصاد با یکدیگر بشدت در مبارزه و همچشمی بسر میبرند در بسط دایره نفوذ معنوی و ادبی نیز هر يك بوسیله نشر زبان خود بر طبق سیاست و روشی معین میکوشند و جهد میکنند که در این مرحله هم از حریف وا نمانند.

بشایر این مقدمات اگر مملکت ما هم بخواهد زنده بماند و در میدان مبارزه سیاست زبان لااقل از خود دفاع کنند ناچار باید يك «سیاست زبان» داشته باشد و برای این کار نقشه ای معقول طرح نماید و آنرا با عزمی جزم توأم با تدبیر و حزم مجری دارد تا در این میدان مغلوب نگردد چه اگر خدای نخواست در این مرحله شکست یافت و در ایران زبانی دیگر بر فارسی غالب شد فاتحه ایران و ایرانی خوانده شده است. خطر بزرگی که امروز زبان فارسی را تهدید میکند علاوه بر مطامع استعماری دول منفعت پرست زیاده طلب اروپائی که هر آن بعلت قدرت فوق العاده ایشان و ضعف مادی ما ممکنست کشور ما را فرا بگیرند و بزور و عنف زبان خود را بر ما تحمیل کنند تحریمات همین دولتهاست در احیای لهجه های محلی بعنوان زبان رسمی و اهمیت دادن بالنسبه افراد اقلیت در مقابل زبان رسمی دولتی که هم زبان اکثریت مردم است و هم زبانی است که يك قسمت از عالی ترین افکار و ذوقیات نوع بشر در قالب آن ریخته شده

است. کاری که در افغانستان بتحریر ترکمان عثمانی برای علم کردن لهجه محلی «پشتو» در مقابل فارسی شده و هنوز هم تقویت میشود و عملی که در کردستان و آذربایجان جهت رسمیت دادن کردی و ترکی بآن دست زده‌اند همه از این نوع و بیشتر بقصد بریدن علائق انکارنشدنی این اقوام ایرانی است با برادران فارسی زبانان که تحت لوای دولت مرکزی ایران زندگی میکنند.

در اختیار سیاست زبان و اعمال آن دولت باید دو وجه نظر داشته باشد اول خارجی دوم داخلی.

در انتشار زبان فارسی در خارج از ایران دولت باید عین نقشه‌ای را که بیگانگان برای انتشار زبان خود در کشور ما تعقیب میکنند تعقیب نماید و در این مرحله بیش از همه نظر ما متوجه بلادی است که سابقاً جزء ایران بوده و هم امروز قسمت مهمی از مردم آن بزبان فارسی تکلم میکنند و علائق باطنی و نژادی خود را با ایران قطع نکرده‌اند و پس از آن ممالک اسلامی که مردم آنها روزگار طولی با ایرانیان مربوط بوده و تحت یک نوع حکومت و با یک نوع تمدن و آداب میزیسته و در حقیقت اعضای یک خاندان بزرگ بوده‌اند.

با کمال تأسف باید بگوئیم که اختیار الفبای لاتینی در ممالک ترکیه و قفقازیه و ترکستان و بیگانه شدن مردم این نواحی که قسمت عظیم آنها ایرانی و دست پرورده تمدن ایرانی اند نسبت بخط عربی دیگر راه و صول نوشته‌های فارسی را بایشان تا حدی سد کرده و سیاستی که دولتهای غالب در محو زبانهای مغلوبین و هجرت دادن ایشان داشته و دارند حتی برای تبلیغات شفاهی با رادیو نیز کمتر امید را برای ما بجا گذاشته است لیکن بهر حال نباید دست از اقدام برداشت و کاری را که اگر فردا بکنیم دیر است از امروز شروع نکنیم.

اما در باب عراق و افغانستان و بلوچستان و هندوستان حتی ثبت سپس ممالک شام و لبنان و مصر و حجاز که با وجود عربی زبان بودن علائقی دینی و تاریخی با ما دارند و جمعی از فضلاء ایشان فارسی میدانند یا شمی مذهبند این کار بسیار سهل

است. دولت باید بوسیلهٔ مأمورین سیاسی خود و مأمورین دیگری که باید مخصوصاً برای این مقصود بفرستد در نشر زبان فارسی و تشویق مردم بفرآ گرفتن آن فوق العاده بکوشد، مجلات زیبا و ارزان زبان فارسی در دسترس ایشان بگذارد کتابهای فارسی را با طبعهای ممتاز برای فروش یا تقدیم بآنان بآن بلاد روانه دارد، از ایشان استاد و روزنامه نگار و عالم و فاضل بداخلهٔ کشور جلب کند و در عوض از همین طبقات کسانی را بآن نواحی بفرستد و دائماً با آن ممالک در ارتباط فرهنگی و ادبی باشد.

آمدیم بر سر سیاست زبانی که دولت باید در داخلهٔ ایران معمول و مجری دارد. در این مرحله هم جای هیچ شک و شبهه نیست که تقویت زبان فارسی و انتشار دانهٔ نفوذ آن در هر گوشه و کنار از کشور و دفاع آن از هر گونه تعرض چه از خارج بیاید چه از طرف جهال و متفنین داخلی مبادرت شود باید بزرگترین منظور دولت در تعقیب این سیاست باشد اما نباید فراموش کرد که بر اثر موجبات جغرافیائی و تاریخی در ایران کنونی ما شاید قریب بچهار پنجم میلیون ایرانی ایرانی نژاد باشند که از طفولیت بتکلم بزبانها یا لهجه‌هایی غیر از فارسی معمولی بار آمده‌اند و فارسی برای ایشان زبان اصلی نیست. ما با اینکه از هر کس بیشتر بدفاع از زبان شیرین فارسی و ادبیات شیوای آن علاقه داریم و تا حد توانائی در این راه کوشیده و میکوشیم این حقیقت را نمیتوانیم منکر شد و از کسانی نیز نیستیم که دولت را بتعقیب سیاستی خشن در بر افکندن ریشهٔ این زبانها و لهجه‌ها بزور و عنف دعوت کنیم چه هر کار که بزور و عنف مجری گردد در بسیاری موارد مورت عکس العملهائی میشود که مضرات آن گاهی منافع مظلومه را نیز از بین میبرد و اساساً این عمل بهیچوجه صلاح نیست و هیچ عیب ندارد که در مملکتی يك عده از مردم آن نیز بین خود بزبان یا لهجه‌ای غیر از زبان رسمی و ادبی کشور تکلم کنند.

در السنه و لهجاتی که در ایران معمول است و هر کدام عثمای کم و بیش متکلم دارند يك رشته لهجه‌های ایرانی است مثل طبری و گیلکی و لری و کردی و غیره. رشتهٔ دیگر زبانهای غیر ایرانی است یعنی عربی و ترکی.

لهجه‌های رشته اول چون هیچکدام ادبیات معتبری ندارند و هیچگاه نیز زبان دولت مقتدری نبوده و امروز هم در خارج از مرزهای ایران دولتی مقتدر نیست که یکی از آن لهجه‌ها زبان رسمی او باشد دولت سیاست خاصی نسبت بآنها نمیتواند داشته باشد تنها باید از این میان مواظب تبلیغات سوئی باشد که از خارج در میان کردها میشود تا نگذارد که يك عده محقق نمای مغرض که در راه تدلیس و تزویر حقایق تاریخی میکوشند و مدعیند که کرد و لر ملتی مخصوصند و با ایرانیان از جهت نژاد متفاوت و غیر ذلك اذهان برادران کرد ما را مشوب کنند و در راه وصول بمقاصد شومی که دارند از این رهگذر نیز مشکلاتی سیاسی برای ما ایجاد نمایند.

اما در باب دو زبان عربی و ترکی که در يك قسمت از مملکت ما میان ایرانیان معمول و زبان تکلم ایشان از بدو طفولیت است و هر دو در خارج از ایران نیز میلیونها متکلم دارند و زبان دولتهائی قوی بوده و هستند و در خارج از ایران هر روز بآنها جراید و کتبی منتشر و اخبار و خطابه‌هایی در اطراف و اکناف عالم پراکنده میگردد سیاست دولت باید بسیار عاقلانه و با همه نوع احتیاط و تدبیر همراه باشد.

از اوصاف نباید گذشت بچه آذربایجانی در عین آنکه ایرانی است و ایران وطن عزیز خود و مفاخر و مآثر آنرا دوست میدارد چون در محیطی ترك زبان تولد یافته و از بدو رشد جز ترکی نشنیده است چه تقصیر دارد اگر فارسی نفهمد و همه وقت ترکی را (بان علت که بهتر میفهمد و سهلتر تکلم میکند) بزبان فارسی ترجیح دهد؟

امروز يك نفر آذربایجانی برای کسب اخبار عمومی عالم و تحصیل اطلاعات طبعماً متوجه رادیو باکو با رادیو آنکارا میشود و بالنتیجه هر نوع تبلیغاتی که از این دو مجری در گوش او فرو کنند کم و بیش میپذیرد و کمتر برادیو طهران که بدبختانه هم ضعیف است و هم برنامه خاصی برای این قبیل منظورها ندارد متوجه میگردد همین حال وجود دارد برای متکلمین عربی در خوزستان و بحرین و جزایر خلیج در مقابل رادیو بغداد و غیره.

چون زبان ترکی و عربی را باین سهولت نمیتوان از ایران برانداخت و اصل

چنانکه گفتیم دست زدن باین کار نیز بهیچوجه صلاح نیست دولت باید با کمال شهامت بمردم آذربایجان و نقاطیکه اکثر مردم آن عبری متکلمند اجازه بدهد که در مدارس تا سنی معین زبان محلی خود را باطفال خویش بیاموزند و آنچه را که در باب تعلیمات ابتدائی و وظایف فردی و اجتماعی و وطنی و عشق بآب و خاک و تاریخ و جغرافیای مملکت لازم است بزبان ترکی و عبری باین اطفال بیاموزند سپس تعلیمات متوسطه و عالییه را بفارسی بابشان درس بدهند و در این نواحی تعلیمات اجباری و مجانی و تبلیغات بزبان فارسی را بشرطیکه متضمن هیچگونه تحقیر و شامت نسبت بزبانهای محلی ایشان نباشد شدید و روز افزون کنند و سعی نمایند که اطفال ایرانی را که بر اثر حوادث تاریخی اجباراً عبری یا ترکی متکلم شده اند روحاً ایرانی بیاورند و ایشان را همینکه بسن رشد و تمیز رسیدند از چنگال تبلیغات هم زبانان خارجی آنان بریابند و طوری رفتار نمایند که مردم خود بتدریج اطفال خویش را بترك این زبانهای بیگانه وادارند و کم کم آب رفته بجوی باز آید.

در تعقیب این سیاست دولت بیش از همه باید در يك امر بسیار مواظب و شدیدالعمل باشد و آن جلوگیری از تبلیغاتی است که از خارج بهمین زبانها در میان مردم میشود مخصوصاً مأمورین او نباید بگذارند که هیچ روزنامه و کتاب و مجله ای که باین زبانها در خارج از ایران منتشر شده و مطالبی خلاف مصالح ایران و ایرانی دارد داخل کشور و در بین مردم بخصوص اطفال مدارس منتشر گردد بلکه بر خلاف دولت خود باید اوراق و کتبی را که برای پیشرفت سیاست ایران خواهانه خود لازم می شمارد بهمان زبانها طبع و در میان مردم منتشر سازد.

اصل مسأله در اینست که ایرانی ایرانی بماند و ایرانی فکر کند و جز مصالح ایران چیزی دیگر نخواهد و عشق ایران بر سر پای وجود او مستولی باشد حال اگر ایرانی بفارسی تکلم کند یا بترکی یا عبری چندان اهمیت ندارد، بکیست ترکی و تازی در این معامله حافظ

حدیث عشق بیان کن بهر زبان که تو دانی